

عناصر داستان در رمان عشق سال‌های جنگ

سهیلا موسوی سیرجانی*

ایران خوش‌چهره**

چکیده

داستان از قدیمی‌ترین قالب‌های هنری است که تعاریف و معانی خاصی از آن ارائه شده است و پیشینه بسیار کهنی دارد. یکی از موضوع‌های مهم در ادبیات داستانی، جنگ است. نویسندگان بسیاری آثار خود را با توجه به جنگ و مسائل خاص آن خلق کرده‌اند. حسین فتاحی از جمله رمان‌نویسان امروز ایران است که آثاری مرتبط با جنگ دارد.

در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی رمان عشق سال‌های جنگ، عناصر داستان در آن شناسایی و ابعاد گوناگون آن به روش کاملاً ساختاری و علمی تحلیل شود. نویسنده رمان با درک واقعی مسئله جنگ، سختی‌های آن روزها را بازمی‌تاباند. شهرت فتاحی مرهون رمان‌های جنگی او است.

کلیدواژه‌ها: رمان، رمان جنگ، عناصر داستان، فتاحی، عشق سال‌های جنگ.

مقدمه

«رمان» از واژه فرانسوی «novella» (به معنای «جدید») گرفته شده و آن متنی روایتگر و داستانی است که در قالب نثر نوشته می‌شود. در زبان فارسی، رمان یک قالب ادبی مدرن و یکی از مهم‌ترین اشکال ادبی است.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب (نویسنده مسئول)

mousavi_sirjany@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب khosh6544@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۲

حسین فتاحی از جمله رمان‌نویسان معاصر ایران است که برای به‌تصویرکشیدن گوشه‌ای از حوادث جنگ، از همه قدرت احساس و درک خود بهره گرفته است. نحوه استفاده از عناصر داستان در رمان‌های او، از میزان آگاهی وی از موضوع جنگ خبر می‌دهد. در این مقاله، عناصر داستان در رمان عشق سال‌های جنگ شناسایی و ابعاد مختلف آن تحلیل شده است.

در زمینه ادبیات داستانی، عناصر داستان و ادبیات دفاع مقدس، آثار بسیاری از بزرگان ادب فارسی چاپ و منتشر شده است؛ اما در موضوع «بررسی عناصر داستان در رمان‌های جنگی»، غیر از چند اثر معدود، پژوهشی یافت نمی‌شود، به‌ویژه رمان‌های فتاحی با موضوع جنگ تاکنون به‌عنوان اثر تحقیقاتی مستقل بررسی نشده است.

در این نوشتار، ضمن بررسی و تجزیه و تحلیل ساختار رمان عشق سال‌های جنگ به روشی کاملاً علمی، تکنیک‌ها و فونونی که نویسنده در پردازش آن به‌کار گرفته است، ارائه خواهد شد. فتاحی علاوه بر این رمان، سه رمان دیگر با موضوع جنگ به نام‌های آتش در خرمین، پسران جزیره، و پری نخلستان دارد که ساختار و پردازش آنها نشان‌دهنده میزان تجربه و تسلط او بر موضوع جنگ است. هرچند که نگارنده این مقاله یکی از رمان‌های فتاحی را بررسی کرده، با نگاهی دقیق و کامل به سه رمان دیگر وی، به نتایج چشمگیری دست یافته است.

از آنجا که ضرورت اجرای چنین پژوهش‌هایی به‌خوبی احساس می‌شود، نگارنده کوشیده است با استفاده از امکانات تحقیقاتی موجود، پژوهشی با محوریت جنگ و شناسایی و تحلیل عناصر داستان در رمانی از نویسنده معاصر کشورمان ارائه دهد و میزان تأثیرگذاری رمان را بر نسل جوان امروز و نیز دقت نویسنده را در چگونگی استفاده از عناصر داستان بررسی کند. از اهداف دیگر این پژوهش، آشنایی با ادبیات داستانی و عناصر داستان است.

ادبیات داستانی و عناصر داستان

ادبیات داستانی در معنای جامع آن، به هر روایتی که خصلت ساختگی و ابداعی آن بر جنبه تاریخی و واقعی‌اش غلبه کند، اطلاق می‌شود، از این رو، ظاهراً باید همه انواع خلاقه ادبی را دربر بگیرد؛ اما در عرف نقد امروز به آثار روایتی منثور، ادبیات داستانی می‌گویند. (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۲۱)

دکتر یعقوب آژند ادبیات داستانی را چنین تعریف کرده است:

ادبیات داستانی هنر و فن ابداع و بازنمایی زندگی بشری از طریق به‌کارگیری واژگان مکتوب برای آموزش یا دگرگونی آن و یا هر دو است. (آژند، ۱۳۷۴: ۱۰)

عناصر داستان در آثار ادبی به تعداد و انواع متفاوتی بیان شده‌اند. در این پژوهش، عناصر داستان جمال میرصادقی مبنای قرار گرفته است. البته از آثار سایر اندیشمندان بزرگ نیز در این پژوهش استفاده شده اما در موارد تفاوت، اثر میرصادقی اساس قرار گرفته است. بنا به نظر ایشان، عناصر داستان عبارت‌اند از:

۱. ادبیات داستانی، ۲. داستان یا روایت خلاقه، ۳. پیرنگ، الگوی حادثه، ۴. شخصیت و شخصیت‌پردازی، ۵. حقیقت‌مانندی داستان یا معیار سنجش داستان، ۶. درون‌مایه، ۷. موضوع، ۸. زاویه دید، زاویه روایت، ۹. صحنه و صحنه‌پردازی، ۱۰. گفت‌وگو در داستان، ۱۱. سبک یا شیوه نگارش، ۱۲. لحن داستان، ۱۳. فضا و رنگ یا فضاسازی در داستان، ۱۴. نماد و نمادگرایی در داستان. (میرصادقی، ۱۳۷۹: ۱)

گذری بر رمان عشق سال‌های جنگ

عشق سال‌های جنگ دومین اثر فتاحی با موضوع جنگ است که در سال ۱۳۷۳ در ۲۶ فصل نوشته شده است. در این پژوهش، چاپ هشتم آن که در سال ۱۳۸۸ منتشر شده، بررسی شده است.

داستان در اوایل ۱۳۵۹، همزمان با درگیری‌های داخلی در کردستان شروع می‌شود. شخصیت اصلی رمان، جوان دانشجویی به نام حمید است که پس از انقلاب و تعطیل شدن دانشگاه‌ها، از تهران به کردستان می‌رود تا با نیروهای ضدانقلاب مقابله کند. حمید در کرمانشاه با دختری به نام نرگس آشنا می‌شود و به خواستگاری او می‌رود اما نرگس را از کودکی برای پسر عمه‌اش - اردلان - نامزد کرده‌اند. اردلان پزشک است. پدر نرگس موافق ازدواج او با دخترش است ولی خود نرگس به این وصلت راضی نیست و به حمید دل بسته است. بالاخره نرگس به اردلان جواب رد می‌دهد و به عقد حمید درمی‌آید. اردلان از شدت ناراحتی درخواست انتقال به ارومیه را می‌دهد و به آنجا می‌رود. حمید در عملیات آزادسازی اسرا از دست ضدانقلاب، رهبری عملیات را برعهده دارد. او در درگیری به شدت زخمی می‌شود و به توصیه پزشکان، برای ادامه معالجه، به ارومیه منتقل می‌شود. در بین راه و در حین انتقالش با هلی‌کوپتر به بیمارستان، ناگهان هلی‌کوپتر دچار سانحه می‌شود و

سقوط می‌کند. حمید در مزرعه گندم یک روستا می‌افتد. پس از ساعت‌ها، پیرمردی از اهالی روستا او را پیدا می‌کند و با کمک دوستش، که از قضا دخترش در بیمارستان ارومیه پرستار است، مجروح ناشناس را به ارومیه می‌رسانند. اردلان نیز در جریان انتقال مجروح ناشناس، او را شناسایی می‌کند و مطمئن می‌شود که فرد ناشناس حمید است؛ اما برای اینکه از نرگس و خانواده‌اش انتقام بگیرد، چیزی به آنها نمی‌گوید. از سوی دیگر، نرگس و خانواده‌اش همه جا را به دنبال حمید می‌گردند. ملوک - مادر حمید - نیز بسیار نگران و مضطرب است اما هیچ نشانی از او پیدا نمی‌کند. ملوک پس از مدتی، از فراق فرزندش بیمار می‌شود و از دنیا می‌رود. حمید که به شدت زخمی شده است، با دیدن صورت وحشتناک خود، ترجیح می‌دهد ناشناس بماند؛ ولی پرستاری که تازه به آن بیمارستان آمده است، حمید را می‌شناسد. او معصومه، دوست نرگس است. معصومه به نرگس خبر می‌دهد و نرگس نیز بلافاصله به برادرش مسعود اطلاع می‌دهد. مسعود از کرمانشاه به ارومیه می‌رود. نرگس نیز با دوستش زهرا و همسر او علی به ارومیه می‌روند. نرگس با دیدن چهره حمید بسیار وحشت می‌کند اما پس از مدت کوتاهی، از کارش پشیمان می‌شود و حمید را با شرایط جدید می‌پذیرد. آنها به درخواست حمید به کرمانشاه می‌روند. مردم شهر و خانواده نرگس به گرمی از آنها استقبال می‌کنند.

بررسی عناصر داستان در رمان عشق سال‌های جنگ

ادبیات داستانی و داستان (آثار روایتی منثور): با توجه به تعریف ادبیات داستانی، این اثر، رمان است. شایان ذکر است که معروف‌ترین شکل داستان‌های ادبی در زمان ما، رمان است. **پیرنگ:** پیرنگ یا خط داستانی عبارت است از ساخت و پرداخت کنش‌های داستان. عنصر پیرنگ که چهارچوب هر داستان و نشان‌دهنده ترتیب و توالی حوادث داستان است، به گونه‌ای ویژه در این رمان وجود دارد. نویسنده در تمامی بیست‌وشش فصل رمان، حوادث داستان را در بخشی مجزا بیان می‌کند. تسلسل مطالب و حوادث داستان در فصل‌های مختلف وجود دارد. تداخل زمانی و جاری بودن زمان‌های موازی بر کل رمان حاکم است. البته وقایع داستان در هر فصلی از منظری جداگانه دنبال می‌شود؛ برای مثال، نویسنده در ابتدای داستان، حمید و هادی و نرگس را که در حال حرکت از قصر شیرین به سوی کرمانشاه هستند، و در آغاز فصل دیگر، ورود نرگس به بیمارستان و فضای دردناک آن مکان را توصیف می‌کند:

ایران خوش‌چهره و سهیلا موسوی سیرجانی ۶۳

بعد از ظهر بود، روزی روشن، گرم و فرح‌بخش. پیکان سفیدرنگی با سه مسافر از قصر شیرین به طرف کرمانشاه در حرکت بود. (ص ۵)

وقتی نرگس به بیمارستان رسید، صدای ناله از اتاق‌ها بلند بود. بیمارستان مثل بیماری بود که فریادهایش را کشیده و دیگر فقط ناله می‌کرد، اما هنوز بازتاب فریادهایش در دیگران نمودار بود. (ص ۱۷)

همچنین، نویسنده گاهی مراسم تشییع جنازه کاظم را وصف می‌کند و در بخش دیگر نگاهی دارد به اسرایی که در دست مهاجمان گرفتار شده‌اند. زمانی، سری به منزل ملوک — مادر حمید — می‌زند و وضعیت زندگی او را وصف می‌کند:

نرگس و معصومه در کنار هم و داخل ماشینی نشسته بودند. ماشین جلوی آنها، جنازه کاظم را حمل می‌کرد. جنازه را در پارچه سفیدی پوشانده بودند و دسته گل بزرگی که در وسط آن عکس بزرگی از کاظم لبخند می‌زد، روی آن بود. (ص ۹۰)

روی طاقچه، عکس کوچکی از حمید، داخل قاب چوبی کوچکی بود. (ص ۲۷۹)

شخصیت پردازی: شخصیت اصلی و قهرمان رمان، حمید نام دارد. او زندگی عادی و معمولی ندارد. مسئولیت مهمی که در کردستان به او محول شده، باعث شده است همزمان به چند موضوع فکر کند و تاحدی زندگی دشواری داشته باشد. او به عنوان یک ایرانی خواهان یکپارچگی کشورش است.

برای حمید، کردستان بندرگاه امنی بود که کشتی طوفان زده‌اش می‌توانست در ساحل آن پهلو بگیرد. (ص ۳۶۲)

شخصیت حمید مانند انسان‌های دیگر، واقعی و باورکردنی است. حمید با همه شجاعت و دلاوری‌ای که در جنگ دارد، مانند بقیه انسان‌ها گاهی دچار ترس و دلهره می‌شود؛ پس شخصیتی آرمانی و غیرقابل درک نیست.

حمید مثل آدم‌های مأیوس و شکست‌خورده، با دست‌هایش بازی می‌کرد. (ص ۸)

حمید که رنگ‌پریده و کمی مشوش شده بود، لبخند کم‌رنگی زد و گفت: پس خبرهایی بوده! (ص ۱۱۱)

حمید شخصیتی مسئولیت‌پذیر و کاردان است و فرماندهی گروهی از هم‌زمانش را در نهایت دقت و ذکاوت برعهده دارد:

برای حمله، حمید ده گروه پنج‌نفره از زنده‌ترین بچه‌های سپاه را سازماندهی کرده بود.

چندین شبانه‌روز درباره نحوه عملیات، منطقه و شیوه کارش با آنها حرف زده بود و بعد هر گروه را به محل مأموریت خود فرستاده بود. (ص ۱۸۵)

شخصیت اصلی داستان (حمید)، شخصیتی ایستا دارد: هرچند در یک برهه زمانی خاص (زمانی که مجروح می‌شود) تغییر روحی و اخلاقی پیدا می‌کند، دوباره به حالت اول برمی‌گردد. از سوی دیگر، شخصیت حمید شخصیتی قراردادی و همه‌جانبه است. شخصیت‌های بسیار دیگری نیز در این رمان حضور دارند که به ترتیب ایفای نقش در داستان معرفی می‌شوند. براساس ذهنیت و طرز فکر نویسنده، دوستان حمید و نرگس شخصیت‌های مثبت این رمان هستند. آنها یا رزمنده‌اند یا از نظر فکری با این دو، اشتراک نظر دارند:

برای نرگس، کاظم چنین بود. شاید چند ماهی از بیست‌سالگی‌اش می‌گذشت. از آغاز درگیری‌های کردستان به آن منطقه آمده بود و در آن مدت، تنها یک بار به مرخصی رفته بود. (ص ۲۱)

اوستاعباس گفت: بعله، خیالتان از این بابت راحت باشد. فکر می‌کنم در بایگانی عزرائیل پرونده من یکی که گم شده. ده بار تا حالا تیر مستقیم خورده‌ام، از این طرف آمده از آن طرف رفته، باز هم زنده‌ام. امروزمان هم که این‌طور. (ص ۱۱۹)

شخصیت‌های منفی در نقطه مقابل قهرمان داستان قرار می‌گیرند، از جمله گروه‌های ضدانقلاب (مهاجمان) و یا افرادی فرصت‌طلب از بین دوستان حمید، افرادی مانند پرویز که شخصیت قالبی و نوعی «تیپ» است که به دنبال فرصتی برای دوری از جنگ و استفاده از منافع و امکانات سازمان‌های دولتی و مردمی است تا از خود اسطوره بسازد، درحالی‌که واقعاً چنین شخصیتی ندارد:

دوهفته‌ای که پرویز و مادرش در باغ بیلاقی شهریار سکونت داشتند، تمام فامیل و آشناها از بیماری پرویز باخبر شدند. بعضی حتی او را مجروح جنگی می‌نامیدند. (ص ۲۷۱)

یکی دیگر از شخصیت‌های این رمان رشید — عضو گروه‌های ضدانقلاب — است که نیروهای سپاه او را دستگیر و زندانی کرده‌اند. او پس از مدتی، تحت تأثیر سخنان حمید، تغییر عقیده می‌دهد و به عنوان نیروی نفوذی به میان مهاجمان برمی‌گردد. وی شخصیتی پویا دارد. اما بیشتر شخصیت‌های این رمان حالت ایستا و بدون تغییر دارند، افرادی مانند نرگس، معصومه، هادی، زهرا، علی، ...

ماشین از دوراهی دهگلان هم گذشت. حمید فکر کرد: مهاجمان از چه گروهی هستند؟
دموکرات‌اند یا از گروه‌های دیگر؟ (ص ۵۲)

حضور زنان در این رمان پررنگ‌تر از دیگر رمان‌های فتاحی است؛ البته به‌اندازه حضور مردان نیست، اما تعداد زنان و نیز نقش آنها در پیشبرد داستان، بسیار حساس و تعیین‌کننده است. معروف‌ترین شخصیت زن در این داستان، نرگس است که شخصیتی ایستا و مقاوم دارد. او فردی مسئولیت‌پذیر است و درکنار شغل معلمی به‌صورت افتخاری در بیمارستان از مجروحان و بیماران پرستاری می‌کند. نرگس شخصیتی همه‌جانبه و قراردادی است. به‌جز او، ملوک (مادر حمید)، معصومه، زهرا و فریده (دوستان نرگس)، مادر، خواهر و همسر برادرش، خاله، دخترخاله و عمه‌تارا، افرادی هستند که در این داستان نقش‌هایی دارند و هر یک به‌نوعی با قهرمان اصلی داستان مرتبط‌اند.

ناگهان نرگس احساس خطر کرد. حس کرد در برابر طوفانی قرار گرفته که ممکن است آنچه را در آن یکی‌دوماه در ذهنش ساخته و نقشه‌هایی را که برای آینده‌اش کشیده است، نابود کند. (ص ۱۴)

ملوک این حس را از قدیم داشت. هر وقت برای حمیدش مسئله‌ای پیش می‌آمد، حس ششمش به او می‌گفت. آن روز هم ناگهان دلش شور افتاد. (ص ۲۷۳)

نام‌ها، خواننده را با ویژگی‌های شخصیتی، فکری و شغلی افراد آشنا می‌سازد. نام شخصیت‌های این داستان به موقعیت خانواده آنها بستگی دارد: بعضی نام‌ها محلی هستند، مانند بی‌گرد و اسرین؛ بعضی‌ها مذهبی‌اند، مانند حمید، حسن، هادی، یوسف، ...؛ بعضی به شخصیت ویژه‌ای اشاره دارند، مانند ابراهیم‌بیگ، کاعثمان، ملا ابراهیم؛ و برخی یادآور شغل خاصی هستند، مانند اوستاعباس. در این رمان، نام متناسب و به‌جا انتخاب شده است.

در شخصیت‌پردازی، گفت‌وگوی میان افراد بسیار مهم است و نقشی تعیین‌کننده دارد: در موقعیتی خاص که موضوع خواستگاری در میان است، نوع گفت‌وگوی افراد با یکدیگر به‌گونه‌ای خاص است و زمانی که موضوع جنگ و درگیری در میان است، نوع دیگری از گفت‌وگو بین افراد برقرار می‌شود.

نرگس پرسید: «مگر چه شده؟ باز اتفاقی افتاده؟» معصومه که دیگر آشکارا گریه می‌کرد، گفت: «زود خودت را برسان! بیمارستان پر از شهید و مجروح است. کاظم را برده‌اند اتاق عمل. زود بیا.» (ص ۱۶)

حقیقت‌مانندی یا معیار سنجش داستان: حقیقت‌مانندی، یکی از اصول مکتب کلاسیک و بر هر اصلی مقدم است، اما نمی‌تواند در داستان جنبه کلی و همگانی داشته باشد و همه خوانندگان را متقاعد کند. واقعی بودن رخداد تاریخی، و تناسب فضا و رنگ و صحنه با زمان داستان، از عوامل مؤثر در حقیقت‌مانندی آن است.

رمان عشق سال‌های جنگ از نظر حقیقت‌مانندی، داستانی واقعی است که شاید بارها اتفاق افتاده باشد. وهمی و خیالی نیست؛ پس خواننده به راحتی می‌تواند با آن ارتباط برقرار و آن را در ذهنش مجسم کند و بپذیرد. نویسنده با به کارگیری عناصر داستان، ایجاد تناسب و هماهنگی بجا میان آنها، و ارائه توالی منطقی میان حوادث داستان، توانسته است عنصر حقیقت‌مانندی را تقویت کند و بدین ترتیب قدرت باورپذیری را در خواننده افزایش دهد:

حمید مثل آدم‌های مایوس و شکست‌خورده با دست‌هایش بازی می‌کرد. چشمان سیاه و روشش برق می‌زد و رنگش پریده بود. (ص ۸)

درون‌مایه: درون‌مایه (تم) که عصاره مفهومی داستان و ایده محوری آن است، یکی از عناصر بنیادی ادبیات داستانی است. درون‌مایه در رمان بلند عشق سال‌های جنگ، «عشق» است که در جای‌جای داستان می‌توان آن را مشاهده کرد:

نرگس پرسید: «چه مهم می‌کنی؟» حمید با همان لحن آرام گفت: «جانم را!» و بعد اضافه کرد: «به اضافه صدویست و چهار هزار سکه.» (ص ۱۳۸)

نویسنده جریان خواستگاری اردلان از نرگس را که همزمان با واقعه جنگ داخلی پیش می‌آید، چنین توصیف می‌کند:

مهمان‌ها دورتادور اتاق نشسته بودند. در بالاترین قسمت، روی پتوی سفید، آقایوسف — پدر نرگس — درکنار محترم‌ترین مهمان‌ها — یعنی عموم‌نصور و عمه‌تارا — به پشتی‌های لاک‌رنگ ترکمنی تکیه داده بود. در طرف راستش، دکتر اردلان جوان، شرمگین و ساکت نشسته بود. (ص ۲۹)

فتاحی، سختی‌های جنگ را به شکل‌های متفاوت بیان می‌کند و به شهیدشدن نیروهای رزمنده، اسیرشدن آنها به دست مهاجمان، قطع عضو و ازکارافتادگی آنها و نیز به امدادسانی و کار طاقت‌فرسای زنانی مانند نرگس و معصومه به خاطر شرایط حاد جنگی اشاره دارد.

جوانی که روپوش سفیدی به تن داشت ... با دیدن جسم خونین سیدکاظم گفت: «وای!

ایران خوش‌چهره و سهیلا موسوی سیرجانی ۶۷

دست‌هایش کو؟ نمی‌شود تکانش داد. همین‌طوری بگذاریدش اینجا! و وسط آمبولانس را نشان داد. (ص ۶۲)

بعد از میرزا، نوبت [به] دیگران را [حذف را] رسید. حوادث آن چند روز و شهادت و اسارت دوستان، فرصت شوخی و خنده را از کسانی که باقی مانده بودند، گرفته بود. (ص ۱۰۰)

با وجود سختی‌های زیاد جنگ، گاهی طنز نیز در فضای حاکم بر داستان جریان دارد: اوستاعباس گفت: بعله، خیال‌تان از این بابت راحت باشد. فکر می‌کنم در بایگانی عزرائیل پرونده من یکی که گم شده. (ص ۱۱۹)

موضوع: موضوع، پدیده‌ها و حادثه‌هایی را شامل می‌شود که داستان را می‌آفریند و درون‌مایه را تصویر می‌کند. رمان‌ها موضوع‌های متفاوتی دارند، از جمله: حادثه‌پردازانه، واقعی، وهمناک، خیال و وهم، واقع‌گرایی، جادویی، درموردی انتقام و کینه‌توزی، ... پس موضوع، کل فضای داستان را دربر می‌گیرد.

موضوع این رمان، **حادثه‌پردازی تام** است، که همان جنگ داخلی و تبعات آن است که عواقب و سختی‌های فراوانی برای مردم در پی دارد.

هادی گفت: ها! توی همه این روستاها چندتایی ضدانقلاب پیدا می‌شود. (ص ۸۲)
حمید پرسید: آخرین نقطه درگیری کجا بود؟ خبر دارید؟ (ص ۴۴)

زاویه دید، زاویه روایت: زاویه دید رمان، روایت از زبان **سوم شخص مفرد** یا دانای کل است. در این نوع روایت، راوی داستان، نویسنده است که خارج از داستان نظاره‌گر اعمال و رفتار شخصیت‌ها و بیان‌کننده افکار و احساسات آنها است:

بعدازظهر بود، روزی روشن، گرم و فرح‌بخش. پیکان سفیدرنگی با سه مسافر از قصر شیرین به طرف کرمانشاه در حرکت بود. (ص ۵)

نویسنده در بیان حالات و گفت‌وگوی میان افراد نیز از همین زاویه دید استفاده کرده است:

حمید، درمانده به هادی نگاه کرد؛ مثل بچه‌ای که جلوی معلمش ایستاده باشد و جواب سؤال معلم را نداند، لحظه‌ای ساکت ماند و بعد گفت: من که گفتم؛ برنامه ما همان است. (ص ۷)

اوستاعباس گفت: خودتان خواستید که یکی را انتخاب کنیم. آنها هم مرا انتخاب کردند. کاک عثمان قدم جلو گذاشت و به محسن اشاره کرد و رو به نگهبان‌ها گفت: این را بیاورید. (ص ۱۶۱)

فتاحی در همه فصل‌های رمان، همان زاویه دید سوم شخص را حفظ کرده است و هیچ تغییری در نوع روایت داستان ندارد؛ بنابراین، تا پایان داستان، همه صحنه‌ها، گفت‌وگوها، حالات افراد و توصیف‌ها از زبان نویسنده روایت می‌شود.

از نظر زاویه دید درونی و بیرونی، زاویه دید این رمان، بیرونی است؛ یعنی فکری برتر، خارج از داستان، شخصیت‌های داستان را رهبری می‌کند، از نزدیک شاهد اعمال و افکار آنها است، از گذشته و آینده خبر دارد و حتی از احساسات پنهان شخصیت‌های خود باخبر است. بنابراین، راوی بیرونی ناظر مستقیم و هدایت‌کننده داستان است.

ظاهراً کار شکل دیگری به خود گرفت. حمید ماشین را روشن کرد و راه افتاد. (ص ۹)
سیدکاظم با نگاهی پرامید و رشک‌آمیز، به نقطه درگیری چشم دوخته بود. (ص ۵۹)

صحنه و صحنه‌پردازی: زمان و مکانی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد و بر شخصیت‌های داستان تأثیر زیادی دارد، صحنه می‌گویند. کاربرد درست صحنه بر اعتبار داستان می‌افزاید.

محل جغرافیایی، کار و پیشه شخصیت‌ها، زمان وقوع حادثه، و محیط کلی و عمومی شخصیت‌ها، عواملی هستند که صحنه را می‌سازند. صحنه رمان عشق سال‌های جنگ از نظر جغرافیایی، استان‌های کردستان و کرمانشاه است.

زمان وقوع حوادث داستان، اوایل ۱۳۵۹ و کار قهرمان اصلی داستان و یاران هم‌رزمش، جنگ و مبارزه است:

زندگی در کردستان و مسئولیتی که داشت، وادارش کرده بود که هر آن به چند جا توجه داشته باشد و به چند موضوع فکر کند و هر پیشامد خوش و ناخوش را بپذیرد. (ص ۵)

گفت‌وگو: گفت‌وگو بخش اعظم داستان را به خود اختصاص می‌دهد و به آن زندگی می‌بخشد. گفت‌وگو باعث معرفی شخصیت‌های داستان می‌شود و عمل داستانی را به پیش می‌برد. سازگاری صحبت‌های شخصیت داستانی با ویژگی شخصیتی او، نشان‌دهنده واقعی بودن آن است. نویسندگان امروزی بیشتر از ترکیب دو نوع گفت‌وگوی نمایشی (غیر مستقیم) و مباحثه‌ای (مستقیم) استفاده می‌کنند. فتاحی نیز برای پیش‌بردن داستان به‌خوبی از گفت‌وگو بهره برده و از هر دو نوع گفت‌وگوی نمایشی و مباحثه‌ای استفاده کرده است:

مادرش که نگران شده بود، پرسید: چی شده؟ چرا گریه می‌کنی؟ نرگس گفت: باز هم شهید دادیم. (ص ۱۶)

حمید گفت: به هر حال، ما می‌رویم جلو. جوان لحظه‌ای فکر کرد و گفت: می‌دانید که شب راحت کمین می‌زنند. شب‌ها از اینجا به بعد دست آنها است. هادی گفت: امشب نه! همه‌شان رفته‌اند منطقه‌گیری. (ص ۴۴)

سبک یا شیوه نگارش: سبک عبارت است از ویژگی ممتاز اعمال یا رفتار کسی؛ و در نوشتن، روشی است که نویسنده در نوشتن مطالب خود دارد. هر کسی سبک نوشتار خاص خود را دارد که نمایانگر طرز تفکر و شخصیت او است. اصطلاح «سبک» را نباید با «تکنیک» یکی گرفت. سبک، بخشی از تکنیک‌های نویسندگی، لباس فکر و مجموعه‌ای از معانی مجازی و حقیقی نویسنده است. فتاحی نیز سبک و شیوه نوشتاری خاص خود را دارد هرچند که او نیز مانند نویسندگان معاصر به سبک نثر معاصر و ساده می‌نویسد. سبک وی، سبکی روایتی است که در داستان‌ها به کار گرفته می‌شود و نویسنده منظور خود را سریع‌تر به خواننده انتقال می‌دهد.

لحن و لحن‌پردازی: لحن، آهنگ بیان و شیوه پرداخت نویسنده نسبت به اثر است که می‌تواند صورت‌های گوناگونی به خود بگیرد و خنده‌دار، گریه‌آور، جلف، جدی و طنزآمیز باشد. در داستان‌های امروزی، لحن درخور موضوع و شخصیت‌های داستان است. لحن، طرز برخورد نویسنده با موضوع و شخصیت‌های داستان است و حتی به برخورد او با مخاطب نیز گفته می‌شود.

لحن داستان عشق سال‌های جنگ، با توجه به موضوع و درون‌مایه آن، سنگین و جدی است. گاهی در گفتار اشخاصی مانند اوستاعباس و دوستان حمید لحن طنزآمیز دیده می‌شود که بسیار ناچیز است. شایان ذکر است که موضوع جنگ و تبعات آن، در چگونگی لحن شخصیت‌های داستان مؤثر است:

نرگس که بغض راه گلویش را گرفته بود، چشم به چهره پدر دوخت. این طوری بهتر می‌شد خبر صحیح را گرفت. (ص ۲۳۹)

اوستاعباس گفت: شما زن‌ها هم موجودات غریبی هستید ... افقی برمی‌گردیم، گریه می‌کنید؛ ایستاده برمی‌گردیم، گریه می‌کنید. مگر شما چقدر اشک ذخیره دارید؟ این چه منبعی است که خدا به شما داده؟ (ص ۳۳۵)

فضا و رنگ، فضا‌سازی: فضای حاکم بر این رمان، فضایی جنگی است؛ زیرا موضوع اصلی آن جنگ است و پیامدهای آن بیشتر به چشم می‌خورد. این رمان، حال و هوای جنگی دارد؛ و لازمه فضای جنگی، افراد جنگاور و جنگجویی است که در دو طرف جبهه

جنگ حضور دارند. این افراد هریک خود را برحق می‌دانند و می‌خواهند، دشمن را شکست دهند:

در نظر اسرا، مرگ چون پرنده‌ای سبکبال بر فراز سرشان پرپر می‌زد و مدام می‌چرخید و روی شانه‌های خسته آنها می‌نشست. (ص ۱۴۴)

نماد و نمادگرایی در داستان: به شیوه مجازی و غیرصریحی که نویسنده در آثارش به کار می‌برد و موضوعی را تحت پوشش موضوع دیگر عنوان و چیز دیگری را القا می‌کند، نماد می‌گویند؛ برای مثال، پرچم نماد کشور، صلیب نماد مسیحیت، و کبوتر نماد صلح است.

نویسنده این رمان از نماد «عشق سال‌های جنگ» که عنوان داستان نیز از آن گرفته شده، استفاده کرده است تا عاشق شدن را در روزگار جنگ و سختی با هم بیامیزد و به آنها معنا ببخشد. هرچند که این رمان، داستانی واقع‌گرا است، نمادهایی در شخصیت‌های آن وجود دارد: حمید نماد فداکاری و عشق، پرویز نماد خودخواهی و فریب، مادر حمید و نرگس نماد ایثار و صبر، اوستاعباس نماد ایثار و فداکاری. شایان ذکر است که بیشتر شخصیت‌های رمان که در جنگ شرکت دارند، نماد ایثارند.

البته نقدهای کوتاه برخی از نویسندگان بر این اثر نیز قابل توجه است. آنان در مقالاتی محتوای داستان را نقد کرده و بر این عقیده‌اند که فتاحی بر جزئیات و توضیح واضحات بسیار تأکید دارد و همین باعث شده است رمان طولانی شود، دیگر اینکه نویسنده حوادث را به دلخواه خود و به شکلی دور از ذهن رقم زده است:

در صد صفحه اول، هنوز نه تنها در گرداب حوادث قرار نگرفته‌ایم بلکه شخصیت‌ها نیز جذابیت چشمگیری ندارند. توضیح واضحات، رمان را به جلو می‌برد. (درودیان، ۱۳۷۴: ۳۳)

نویسنده خود را ملزم به توضیح و توصیف تمام جزئیات می‌داند. حوادث یکسره تصادفی و دور از ذهن‌اند؛ برای نمونه، حمید مجروح حتماً باید از هلی‌کوپتر به پایین پرت شود و حتماً باید به همان بیمارستانی برده شود که اردلان در آن مشغول به کار است. (خمسه‌ای، ۱۳۷۴: ۳۳)

نتیجه‌گیری

رمان عشق سال‌های جنگ، دومین اثر فتاحی با مضمون جنگ و یکی از زیباترین آثار وی است. تعداد شخصیت‌های رمان زیاد و تنوع افراد با سنین متفاوت، موقعیت‌ها و جایگاه‌های

خاص باعث جذابیت داستان شده است. درون‌مایهٔ رمان عاشقانه است؛ بنابراین، نویسنده ضمن توجه به مسئلهٔ جنگ و تبعات آن، عشق را نیز به‌زیبایی مطرح کرده است. داستان با زاویهٔ دید سوم شخص نگارش یافته و راوی داستان، خود نویسنده است که از دور همهٔ وقایع را در مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف بیان و حالات مختلف افراد را بازگو می‌کند و بنابراین روایت داستان، برون‌رویدادی است. فتاحی در رمان *پری نخلستان* نیز از روایت سوم شخص استفاده کرده اما در رمان‌های *آتش در خرمن* و *پسران جزیره* از زاویهٔ دید اول شخص بهره گرفته است.

موضوع رمان، جنگ داخلی است که در استان‌های غربی کشور (کرمانشاه و کردستان) در اوایل انقلاب رخ داده است. هریک از افراد این رمان به‌گونه‌ای وارد جریان اصلی داستان می‌شوند؛ اما شخصیت اصلی رمان، حمید و مهم‌ترین شخصیت زن، نرگس است که از ابتدا تا انتهای داستان با حمید همراه بوده و باعث شده است ترتیب حوادث داستان و پیرنگ آن به‌خوبی پیش برود.

نقش زنان در این رمان پیرنگ و تأثیرگذار است و تعداد زنان و نقش مؤثر و جاندار آنها بیشتر از دیگر آثار فتاحی به‌چشم می‌خورد؛ زنانی که نماد ایثار و صبوری‌اند و درکنار نقش‌های اصلی زنانه و لطیف خود - مانند همسر و مادربودن - پای به پای مردان در جنگ و سختی‌های آن حضور و نقش‌هایی اجتماعی، شجاعانه و حماسی برعهده دارند.

زوایای مختلف داستان به‌خوبی بیان شده است. نویسنده شخصیت‌ها را به شیوهٔ مستقیم به خواننده معرفی کرده است. درون‌مایهٔ رمان عاشقانه است که با مسائل خانوادگی و عاطفی درآمیخته است و نمی‌توان آن را رمانی صرفاً جنگی نامید. فتاحی حوادث داستان را در فصل‌های جداگانه از منظری خاص و زاویه‌ای جدا، به‌شکل عمودی، پی می‌گیرد. فضاسازی داستان به‌زیبایی صورت گرفته و فضای جنگی رمان در کردستان کاملاً واقعی بیان شده است. در سه رمان دیگر فتاحی نیز فضای جنگی حاکم است، البته با درون‌مایه‌های جنگ و تبعات آن؛ و در *پری نخلستان* (که رمانی کودکانه است) با درون‌مایهٔ تخیل و خیال‌پردازی همراه است.

شخصیت‌های ایستا و پویا، باورپذیر و کاردان یا قالبی و تیپ و حتی مثبت و منفی این رمان، از دیدگاه نویسنده مطرح شده‌اند. گفت‌وگوی میان افراد به‌خوبی بیانگر حالات، روحيات و نوع شخصیت هر یک از آنان است که نویسنده کوشیده است آن را با الفاظی متفاوت بیان کند. شروع و پایان خوب و زیبای داستان، از نقاط قوت آن است و درگیری

ذهنی نرگس برای پذیرفتن مجدد حمید و ادامه زندگی با او، از بخش‌های واقعی و زیبای رمان است که اگر این‌طور نبود، نرگس حالت واقعی و باورپذیر پیدا نمی‌کرد و به شخصیتی اسطوره‌ای و غیرقابل فهم تبدیل می‌شد.

در آثار فتاحی، کشمکش و جدال وجود دارد که لازمه رمان‌های جنگی است. عنوان اثر با محتوای آن هماهنگی دارد به‌گونه‌ای که می‌توان جنگ و عشق را در سال‌های متمادی درک کرد. داستان واقعی و قابل درک و موضوع آن حادثه‌پردازانه است.

شروع و پایان داستان‌های دیگر فتاحی نیز زیبا است و این نوع پرداخت را در رمان *آتش در خرمن* به‌ویژه در پایان زیبای آن می‌توان دید؛ البته در شروع داستان *پری نخلستان*، برخلاف بقیه رمان‌ها، اشکال نگارشی وجود دارد و این اشکال عمده در آغاز رمان بسیار واضح و نمایان است که از جذابیت رمان کاسته است.

از نقاط ضعف رمان، توصیف بیش از حد، ذکر جزئیات و تکرار صحنه‌ها است: نویسنده در بخش‌هایی از داستان، توصیفی را بارها تکرار و یا شخصیتی را چند بار معرفی کرده است. فتاحی در رمان‌های دیگر خود، تا این حد درگیر توصیف و ذکر جزئیات نشده است که با توجه به حجم داستان و تعدد شخصیت‌های آن، غیرضروری به‌نظر می‌رسد.

کتابنامه

- آرین‌پور، یحیی (۱۳۵۰). *از صبا تا نیما*، ج دوم، تهران: زوار.
- آزاد، یعقوب (۱۳۷۴). «عناصر داستان»، ماهنامه *ادبیات داستانی*، ش ۳۴، ص ۱۰.
- ایرانی، ناصر (۱۳۶۴). *داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پارسی‌نژاد، کامران (۱۳۸۴). *جنگی داشتیم، داستانی داشتیم*، تهران: صریر.
- حنیف، محسن (۱۳۸۸). *کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس*، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- خمسه‌ای، آرزو (۱۳۷۴). «عشق آن سال‌ها، قصه این سال‌ها»، *ادبیات داستانی*، ش ۳۳، ص ۶۱.
- داد، سیما (۱۳۷۱). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
- درویدیان، زهرا (۱۳۷۴). «نگاهی به عشق سال‌های جنگ»، *ادبیات داستانی*، ش ۳۳، ص ۵۹.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹). *ادبیات دفاع مقدس*، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). *انواع ادبی*، تهران: فردوس.
- عابدی، داریوش (۱۳۷۵). *پلی به سوی داستان‌نویسی*، تهران: مدرسه.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۷۶). *درباره نقد ادبی*، تهران: قطره.

ایران خوش‌چهره و سهیلا موسوی سیرجانی ۷۳

فروغی جهرمی، محمدقاسم (۱۳۸۹). *مقوله‌ها و مقاله‌ها*، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
فتاحی، حسین (۱۳۷۳). *عشق سال‌های جنگ*، تهران: قدیانی.
میرصادقی، جمال (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی*، تهران: چاپخانه بهمن.
میرصادقی، جمال (۱۳۷۹). *عناصر داستان*، تهران: سخن.
میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷). *صد سال داستان‌نویسی ایران*، ج سوم. تهران: چشمه.

Archive of SID

Archive of SID